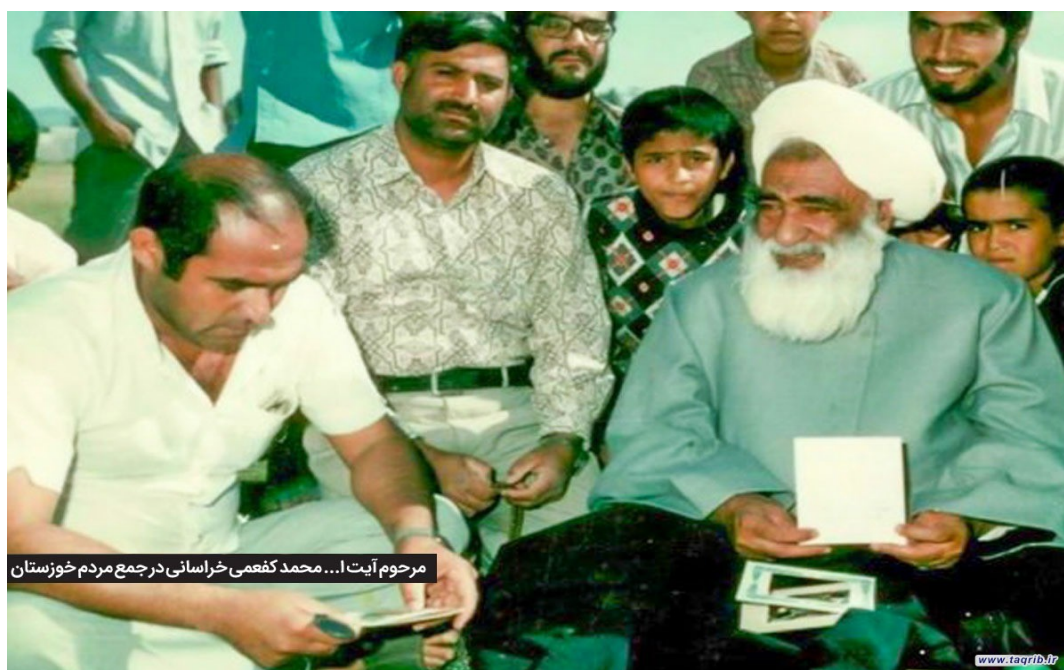


سال‌ها برای انس میان شیعه و سنی تلاش کرد!



سال ۱۳۲۸ خورشیدی بود که زاهدان دچار سیلی سهمگین و زندگی بسیاری از مردم مختل شد. کمبود امکانات وضعیت بغرنجی ایجاد کرده بود. دولت مرکزی هم برنامه‌ای برای رفع مشکلات مردم نداشت و این مسئله باعث پیچیدگی بیشتر مشکلات به وجود آمده شد.

شیخ محمد که از مردان تأثیرگذار آن دیار بود آستین بالا زد و با کمک مردم سعی کرد تا کمی از باری که بر دوش مردم بود کم کند. او اصالتاً اهل مشهد بود، اما پیش از این مدتی بود که به زاهدان سفر کرده و در آنجا زندگی می‌کرد. او خود از تبار عالمان بود و سال‌ها در نجف برای تحصیل علم حضور داشت.

شیخ محمد ستاد کمک رسانی تشکیل داد و به کمک سیل زدگان شتافت. او کودکانی که خانواده شان را از دست داده بودند، شناسایی کرد و دارالایتامی تشکیل داد و از آن‌ها نگهداری و سرپرستی کرد و با فراهم کردن زمینه تحصیل و کارآموزی به زندگی آن‌ها سر و سامان بخشید تا جایی که بسیاری از آن‌ها جذب کار و تحصیلات عالی شدند.

برای خانواده‌های سیل زده نیز مقرری تعیین کرد. تلاش‌های شیخ محمد برای مردمان اهل سنت آن دیار تأثیری فوق العاده داشت به طوری که مهر او بر دل اهالی آن سامان نشسته بود. همه می‌دانستند که برای او شیعه و اهل سنت فرقی ندارد و همه مردمان ایران زمین هستند.

او از هیچ تلاشی برای هموار کردن مشکلات مردم سیستان و بلوچستان دریغ نمی‌کرد. در سال‌های ۱۳۴۹، آب هیرمند از جریان بازماند و دریاچه هامون خشک شد. مردم آن سامان به طرز وحشتناکی دچار بی آبی و خشک سالی شدند و گروه گروه از آن دیار به گرگان و ترکمن صحرا و سرخس و دیگر بلاد مهاجرت کردند.

فقر بیداد می‌کرد و سرتاسر زابل در خشک سالی و تشنگی و گرسنگی، جان انسان‌ها را می‌سوزاند و به کام مرگ می‌کشید. آیت ا... کفعمی با کھولت سن و کسالتی که داشت، همراه با یکی از یارانش بر موتورسیکلت سوار می‌شد و برای کسب اطلاع از وضعیت مردم به دورترین روستاها روان می‌شد و برای کمک رسانی از محروم‌ترین روستاها شروع می‌کرد. مأموران ساواک یکی از این کمک رسانی‌ها را چنین گزارش می‌کنند:

«آقای حاج شیخ محمد کفعمی خراسانی، پیش نماز اهل تشیع زاهدان به اتفاق آقای محلاتی و چند نفر دیگر از روحانیون در حدود ۱۵۰۰۰ ریال وجوه شرعیه را با نظر حاج محمدتقی طباطبائی ساکن زابل در قراء و رمال - سدکی - چلنگ - کوه خواجه - ادیمی و زهک توزیع و به هر نفر مبلغ یک صد ریال پرداخت نموده اند.»

کار به جایی رسید که او ستاد کمک رسانی تشکیل داد و به وسیله نامه، تلگراف و تلفن به آیات عظام و مراجع تقلید در نجف اشرف، قم، تهران و مشهد وضعیت تأسف بار و نابسامان مردم سیستان را اطلاع داد و درخواست کمک و یاری کرد.

رژیم پهلوی سعی داشت با ایجاد اختلاف و رودررو قرار دادن مردم منطقه، جو را به نفع خود تغییر دهد و از آن بهره برداری کند، اما تیزبینی و درایت و نفوذ عمیق معنوی آیت ا... کفعمی خراسانی موجب شد با اتخاذ تدابیر شایسته و اقدامات به موقع، این ترفند طاغوت نیز نقش بر آب شود.

آیت ا... کفعمی خراسانی محور وحدت بود و با اعمال سیاست‌های خاص خود از جمله اخوت و برادری و ارتباط نزدیک با مولوی عبدالعزیز، امام جماعت اهل سنت زاهدان و اجرای برنامه هایی، چون دید و بازدید و رفت و آمد و ایجاد انس و الفت بین برادران شیعه و سنی همچون عزیمت شیعیان در روز عید قربان به مصلاهی اهل سنت و برعکس، تبریک اهل سنت به شیعیان در عید فطر و شرکت در برنامه‌های جمعی

یکدیگر و حتی شرکت در نماز جماعت (که در هیچ یک از نقاط دیگر نظیر نداشت)، هرگونه اندیشه و دسیسه شیطانی را از مخالفان وحدت اسلامی ساقط کرده و نام خود را به عنوان نماد وحدت شیعه و سنی در تاریخ منطقه جاودانه کرد.

هرگاه گمان می‌رفت اتحاد شیعه و سنی خدشه دار خواهد شد، مناسبتی را که بیشتر اعیاد و ولادت‌ها بود، بهانه قرار می‌داد و به همراه عده‌ای از نمازگزاران از مسجد جامع شیعیان به مسجد جامع اهل سنت می‌رفت و تألیف قلوب کرده و از هرگونه تفرقه و سوءاستفاده مغرضان جلوگیری می‌کرد و مولوی عبدالعزیز هم که با آیت ا... کفعمی هم فکری داشت، برای رفع مشکلات این گونه عمل می‌کرد.

آن دو بزرگوار مترصد اتفاق یا موضوعی بودند تا بهانه‌ای به دست آید و همدیگر را ملاقات کنند و آن هنگام که این فرصت دست می‌داد، یکدیگر را در آغوش می‌گرفتند. گویی دو برادر سال‌ها در فراق یکدیگر بوده اند. اگر هر یک از آن‌ها به سفر می‌رفت در بازگشت میزبان دیگری بود که با یاران و اصحاب خود به دیدارش می‌شتافت. در منابر و محافل هرگز اجازه بی احترامی و حرمت شکنی نسبت به مقدسات آن‌ها را ندادند و آن‌ها را احترام می‌کردند.

مرحوم آیت ا... کفعمی در دوره‌ای به کمک مردم دیار سیستان و بلوچستان شتافت که امکانات کمی در آن منطقه وجود داشت و همین مسئله سبب شد تا محبت او هرچه بیشتر در دل مردم جا بگیرد. رهبر معظم انقلاب در سفری که به زاهدان داشتند درباره فعالیت‌های او چنین گفتند: «خدا مرحوم آیت ا... کفعمی روحانی غیور و فاضل را رحمت کند.

آن وقتی که زاهدان این شهر فعلی نبود، آن موقع اینجا خیلی محروم بود. وقتی در سال ۴۲ به زاهدان آمدم، مرحوم آیت ا... کفعمی مشغول خدمات خود بود و من دیدم که ایشان عاقلانه سعی در ایجاد وحدت و همدلی دارد. پرسیدم روابط شما با اهل سنت چطور است؟ گفتند: با مولوی عبدالعزیز روابط خوبی داریم و همکاری و همدلی داریم.»

نویسنده: امید حسینی نژاد

